

## صلح اصغر و صلح اعظم

### علی نخجوانی

در آثار مبارک حضرت ولی امرالله به زبان انگلیسی ملاحظه می‌کنیم که به قلم معجز شیم مبارک توصیف و تحلیل جامعی را از اوضاع کنونی جهان بیان می‌فرمایند. خواننده می‌تواند به خوبی مجسم کند که به چه علت در امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و علمی و فرهنگی جهان تحولات چشم‌گیری صورت گرفته و هم‌اکنون در حال تحول است و این تحولات به چه هدفی نوع بشر را نزدیک می‌کند و هیأت اجتماعی چه مراحل را باید طی کند و نتیجه و ثمره این تحولات نوع انسان را مآلاً به چه مقامی هدایت خواهد کرد.

طبق آثار حضرت بهاءالله پیغمبران و مظاهر مقدسه الهیه در هر دور و زمانی ظاهر شوند نوع بشر را به مراتب بالاتری از ترقیات مادی و روحانی سوق می‌دهند، و این ترقیات، هرچند مثبت است، ولی لازمه این تحولات ویرانی ارکان تمدن سابق است تا بر این خرابی‌ها مدنیّت جدید الهی استقرار یابد. همان‌طور که آفتاب از طرفی برف‌های کوه‌ها را ذوب می‌کند و سیل‌های هولناکی ایجاد می‌نماید و سبب ویرانی آبادی‌ها و اهالی شهرها و دهات می‌شود، ولی از طرف دیگر همین آفتاب حرارت و نوری دارد که موجب رشد نباتات و جمیع ممکنات است. پس میتوان گفت که در این زمانه که شمس حقیقت از افق امر جمال اقدس ابهی ظهور فرموده این دو حرکت یا دو جریان بالطبع باید در سطوح مختلف جهان نمایان باشد، یعنی در سطح جهانی آثار فروپاشی، که منفی است، و هم آثار سازندگی، که مثبت است، دیده می‌شود.

فروپاشی جهان و جهانیان را حضرت بهاءالله به این عبارت توضیح فرموده‌اند: «زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، صفحه ۱۳)

بيانات ديگري نيز از قلم حضرت بهاء الله زيارت شده كه مي فرمايند «هنگام فناي عالم و اهل آن رسيد.» (ظهور عدل الهی، صفحه ۱۶۶). و نيز مي فرمايند «از دو طايفه عزت برداشته شد: امراء و علماء» (قد ظهر يوم الميعاد، صفحه ۳۹). از همين قلم مبارك حضرت بهاء الله نيز زيارت مي كنيم كه مي فرمايند «حال ارض حامله مشهود، زود است كه اثمار منيعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعمای جنیه مشاهده شود» (قرن بدیع، صفحه ۴۳۳).

حضرت عبدالبهاء نيز در آثار مباركه خود به اين دو جريان اشاره نموده مي فرمايند «اين امراض مزمنه شفا نيابد، بلكه روز به روز سخت تر شود و بدتر گردد» (مكاتيب حضرت عبدالبهاء، جلد ۳، صفحه ۶۸). همچنين در باره اثر مثبت اين تحولات مي فرمايند «عالم انساني منقلب شود و فيوضات رحمانی رخ بگشايد.» (منتخباتی از مكاتيب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۲۷۲)

اثر منفي اين تحولات انحطاط و ويراني و هرج و مرج در هيأت اجتماعيه است، و اثر مثبت پيشرفت و توسعه دائره امراالله در روي سطح زمين است. مطابق بيانات صريحه مباركه آغاز اين دو جريان منبعت از اظهار امر حضرت اعلي در شيراز در سنه ۱۲۶۰ هجري و يا ۱۸۴۴ ميلادي است.

هم در انجيل و هم در قرآن بياناتي مذكور است كه دال بر همين دو جريان يوم موعود است. مثلاً در انجيل مي خوانيم «و ديدم آسمانی جديد و زمینی جديد چون كه آسمان اول و زمين اول درگذشت» (باب ۲۱، آيه ۱). همچنين در قرآن مي فرمايند «تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» (سوره ابراهيم (۱۴)، آيه ۴۸). در قرآن مضمونش اين است كه روزي خواهد آمد كه ارض همان ارض نخواهد بود و همچنين سموات تبديل و تغيير خواهد كرد. واضح است كه در اين جا مقصود از ارض مدنيت ظاهري و صوري اين جهان است، و مقصود از سموات، همان طوري كه در كتاب مستطاب ايقان مي فرمايند، مقصود سماء اديان است. در آثار حضرت ولي امراالله به انگليسي، اين دو جريان را اين طور توصيف مي فرمايند:

«جريانی مرکب از دو نیروی متضاد سرگرم تغيير و تبديل وضع کنونی جهان است، در حالی كه هر يك از اين دو نیرو با شتابی فزاينده مسیری

مخالف با مسیر نیروی دیگر را طی می‌کند. این دو نیرو، یکی سازنده و الفت‌دهنده است و دیگری مخرب و متلاشی‌کننده. آن یک در مسیر مداومش تدریجاً سبب ظهور نظامی گردد که نمونه‌ی اعلیٰ برای اداره‌کردن جهانی است که مسیر و مقصد دنیای آشفته‌ی امروز ماست، و این یک در مسیر تجزیه‌بخش و مخربش با شدتی روزافزان هر سدّ و مانعی را در راه وصول بشر به هدف مقدر در هم می‌شکند. آن سیر سازنده با آئین نوزاد حضرت بهاء‌الله وابسته است و طلیعه‌ی نظم جهان‌آرائی است که بزودی امر بهائی تأسیس خواهد کرد، و بالعکس این نیروی مخرب که نماینده‌ی آن سیر دیگر است وابسته به مدنیته‌ی است که از اجابت مقتضیات زمانه اعراض نموده و بالنتیجه به کابوس هرج و مرج و انحطاط دچار شده است.» (نظم جهانی حضرت بهاء‌الله، صفحه ۱۱)

در آثار حضرت ولی امرالله به یک سیر و حرکت ثالثی اشاره می‌فرمایند که آن عبارت از تحولات مثبت جهانی است که خارج از دائرة امر الهی در حال تحقق است و فعالیت‌های این جریان ثالث چون بطور غیرمستقیم منبعث از نیروی حیات‌بخش آئین الهی است با روح تعالیم مبارکه هماهنگی دارد. بیان مبارک در باره این موضوع از این قرار است «آثار اولیه آن را ... میتوان در مساعی معقول و سنجیده و شروع مجهوداتی مشاهده کرد که پیروان رسمی امر حضرت بهاء‌الله ... به منظور تأسیس ملکوت الهی بر بسط زمین مبذول می‌دارند، و تجلیات غیرمستقیمش را نیز میتوان در ترویج تدریجی روح اخوت و اتحادی که خود بخود از میان آشفته‌گی جامعه از هم گسیخته کنونی برخاسته ملاحظه نمود.» (نظم جهانی بهائی، صفحه ۶۱)

بعد از جنگ بین‌المللی اول، در بحبوحه مشکلات عمومی جهانی، در سال ۱۹۲۰ جامعه ملل تأسیس شد. این جامعه ملل هرچند مشکلات زیادی داشت، ولی از نقطه نظر تاریخ سیاسی جهان، در واقع اولین قدم مهم، که هماهنگی کامل با تعالیم حضرت بهاء‌الله داشت، برداشته شد. در این مقام حضرت ولی امرالله می‌فرمایند «اولین بار در تاریخ بشر بود که نظام امنیت جمعی که حضرت بهاء‌الله

پیش‌بینی و حضرت عبدالبهاء به صورت قطعی اعلام فرموده به مرحله بحث و آزمایش درآمد.» (نظم جهانی بهائی، صفحه ۱۴۴) همچنین حضرت ولی امرالله می‌فرماید که قوه آسمانی «در جهان روحی جدید دمید ... عده بیشتری از خردمندان جهان نه تنها آن وحدت را ممکن الوصول می‌شمارند، بلکه آن را لازم و نتیجه عوامل و قوای می‌بینند که امروز در جهان به کار افتاده است.» (نظم جهانی بهائی، صفحه ۶۷)

بعد از جنگ جهانی دوم جامعه ملل در سال ۱۹۴۵ به سازمان ملل متحد تبدیل گردید. بیش از نیم قرن است که این سازمان در حال رشد و تکامل است. البته نواقص و مشکلات زیادی داشته و دارد، از قبیل تعیین تعداد اعضای شورای امنیت، و اینکه حق وتو veto چه خواهد شد؟ ولی طبق پیش‌بینی حضرت بهاءالله این مؤسسه باید سیر تکاملی خود را طی کند تا نهایتاً به مرحله بلوغ برسد و مرحله بلوغش همانا تأسیس صلح اصغر مورد نظر مبارک حضرت بهاءالله است. حضرت بهاءالله خطاب به سلاطین و امراء می‌فرماید: «لما نبذتم الصلح الاکبر عن ورائکم تمسکوا بهذا الصلح الاصغر لعل به تصلح امورکم و الذین فی ظلمک علی قدر» (آثار قلم اعلیٰ، جلد ۱، صفحه ۶۴)، که مضمون فارسی آن این است که اگر صلح اکبر را به پشت گوش انداختید لااقل به این صلح اصغر تمسک جوئید، تا شاید امور شما و امور نفوسی که در ظلّ شما هستند قدری اصلاح پذیرد.

این صلح اصغر صلحی است که صرفاً مبتنی بر موازین و مصالح سیاسی است، یعنی هرچند در اساسنامه آینده آن اصول اخلاقی تا اندازه‌ای البته رعایت خواهد شد، ولی بطور قطع محروم از موهبت اصول روحانی امر الهی خواهد بود. مثلاً، صلح اصغر هرچند یکسان بودن حقوق انسان، و همچنین عقاید فردی و یا جمعی افراد بشر را البته منظور خواهد داشت، ولی رعایت حقوق بشر، که امری است صوری و قانونی، با لزوم ترک حقیقی تعصبات دینی و نژادی، که کیفیتی است عاطفی و وجدانی، البته فرق فراوان دارد.

باری، در اواخر قرن بیستم بین یاران بحثی به وجود آمد که چون در لوح هفت شمع، یعنی در ظلّ شمع پنجم، ذکر وحدت وطنی می‌فرمایند و تصریح شده که

«در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز به نهایت قوت ظاهر شود» (مکاتیب، جلد ۱، صفحه ۳۵۸) لذا صلح اصغر باید در آخر همین قرن بیستم کاملاً تحقق یابد. این استنباط با بیان صریح حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک مورخه ۱۹۴۶ خطاب به یکی از یاران غرب منافات دارد، زیرا در آن توفیق صریحاً می‌فرماید که میقات معین صلح اصغر نامعلوم است (Lights of Guidance، صفحه ۴۳۵).

اگر درست در بیان مبارک حضرت عبدالبهاء در باره وحدت وطنی دقت نمائیم معلوم می‌شود که مقصود مبارک صلح اصغر نیست، همین قدر می‌فرمایند که در ظل این شمع پنجم و در طی قرن بیستم «جمع ملل عاقبت خود را اهل وطن واحد شمرند» (مکاتیب، جلد ۱، صفحه ۳۵۸). کره ارض را وطن واحد شمرند با تأسیس صلح اصغر البته تفاوت دارد. بدون شک میتوان گفت که مقصود مبارک این است که در طی قرن بیستم اکتشافات علمی از یک طرف و روابط اقتصادی از طرف دیگر برای اهل عالم ثابت خواهد کرد که این کره ارض یک وطن است، چنانچه این حالت کاملاً تحقق یافت، علی‌الخصوص وقتی که فضانوردان عکس زیبای کره ارض را با دوربین‌های خود گرفتند و این عکس‌ها در جمیع جرائد دنیا منتشر شد.

اما صلح اکبر را حضرت بهاءالله در لوح مقصود چنین توصیف فرموده‌اند «سراپرده یگانگی بلند شد، به چشم بیگانگان یکدیگر را ببینید، همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار ... اگر ملوک و سلاطین که مظاهر اقتدار حق جلّ جلاله اند همت نمایند و بما ینتفع به من علی الارض قیام فرمایند، عالم را آفتاب عدل اخذ نماید و منور سازد ... لابد بر این است که مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفاوضه در صلح اکبر نمایند ... این است سبب آسایش دولت و رعیت و مملکت» (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، صفحات ۹۸ و ۹۹).

حضرت ولی امرالله در وصف این صلح اکبر چنین مرقوم فرموده‌اند «در چنین جامعه جهانی جمیع موانع اقتصادی به کلی از میان خواهد رفت. سرمایه و کار عواملی لازم و ملزوم یکدیگر به شمار خواهد آمد. تعصبات و منازعات مذهبی به کلی فراموش و آتش عداوت‌های نژادی تا ابد خاموش خواهد شد. یک مجموعه

از قوانین بین‌المللی که محصول مشاورات نمایندگان پارلمان بین‌المللی است تدوین خواهد گشت که ضامن اجرایش واحدهای نیروی اتحادیه جهانی خواهند بود. و بالاخره یک وطن‌پرستی کاذب و جنگ‌آور به یک جهان‌دوستی و نوع‌دوستی تبدیل خواهد شد. اینهاست رئوس کلی و برجسته‌نظمی که حضرت بهاء‌الله پیش‌بینی و تدبیر فرموده و اعلیٰ ثمره عصری است که به تدریج رو به بلوغ نهاده است» (نظم جهانی بهائی، صفحه ۵۶).

باید در این بیان مبارک دقت نمائیم، زیرا در ذکر تعصبات دینی و نژادی می‌فرمایند که در مرحله صلح اکبر بساط تعصبات و منازعات مذهبی و دینی و همچنین عداوت‌های نژادی و جنسی به کلی پیچیده خواهد شد و در اینجاست که به کمال وضوح میتوانیم به این نتیجه برسیم که متأسفانه در ظل صلح اصغر تعصبات دینی و نژادی در قلوب و ارواح مردم خاتمه نمی‌یابد، ولی در ظل صلح اکبر چون تعالیم الهی در مؤسسات صلح اصغر بدون شبهه نفوذ و رسوخ خواهد کرد، لذا مجالی برای تعصبات دینی و نژادی باقی نمی‌ماند و این امراض روانی به برکت داروی ملکوتی الهی مرتفع و زائل خواهد شد.

حال باید بحثی در باره صلح اعظم مطرح نمائیم. حضرت ولی امرالله تعریف ذیل را بیان می‌فرمایند:

«اما صلح اعظم، به نحوی که حضرت بهاء‌الله مقرر فرموده، صلحی است که عملاً باید متعاقب زمانی تحقق یابد که جنبه‌های روحانی و معنوی بر جهان غلبه یافته باشد، یعنی زمانی که جمیع نژادها و مذاهب و طبقات و ملل در هم ادغام شده باشند، و چنین صلحی بر هیچ اساسی مرتفع نگردد و هیچ دستگاہی آن را حفظ نتواند مگر آنکه بر پایه احکام و قوانین الهی استوار باشد. و آن احکام و تعالیم در نظم جهانی بدیعی که به نام مقدس حضرت بهاء‌الله منسوب است مذکور و مکتوب. حضرت بهاء‌الله در هفتاد سال قبل در لوحی خطاب به ملکه ویکتوریا چنین می‌فرماید: "و الذی جعله الله الدریاق الاعظم و السبب الاتم لصحته هو اتحاد من علی الارض علی امر واحد و شریعة واحدة هذا لا یمکن ابداً الا بطیب حاذق کامل مؤید لعمری هذا لهوالحق و ما بعده الا الضلال المبین".

مضمون بیان مبارک به فارسی تقریباً چنین است که می‌فرمایند چیزی که خداوند

بهترین نوشدار و کامل‌ترین وسیلهٔ بهبود جهان دردمند مقرر فرموده همانا اتحاد اهل زمین بر امر واحد و آئین واحد است، و این مهم امکان نیابد مگر بدست پزشکی دانا و کامل و مؤید و قسم به خدا که این حق است و بعد از حق جز گمراهی محض راهی نیست (نظم جهانی بهائی، صفحه ۱۰۰). و نیز در لوحی دیگر می‌فرمایند «الیوم لایق آنکه کل به اسم اعظم متشبث شوند. نیست مهرب و مفری جز او که ناس را متحد نمایند.» (نظم جهانی بهائی، صفحه ۱۰۱)

حضرت ولی امرالله شرح مبسوطی داده‌اند در تعریف و توصیف خصوصیتی که در نتیجهٔ استقرار صلح اعظم در جهان چهره خواهد گشود. در این مقام چند فقره از آن بیانات را نقل می‌کنیم:

«در چنین جامعهٔ جهانی علم و دین، یعنی دو نیروی بسیار توانای بشر با هم آشتی پذیرند و همکاری نمایند و در پیشرفتشان هم‌آهنگ شوند ... هم فقر و فاقه و هم مالکیت و ثروت فوق‌العاده از بین برود و نیروهای عظیمی که در راه جنگ‌های اقتصادی و سیاسی به هدر می‌رود از آن پس معطوف به اهداف لایقی از قبیل توسعهٔ اختراعات و ترقیات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و ازالهٔ امراض و توسعهٔ تحقیقات علمی و بالا بردن سطح صحت و تشحید [به معنی تیز کردن است] و اعتلاء مغز و فکر بشری و بهره‌مندی از منابع بکر و ناشناختهٔ کرهٔ زمین و درازی عمر انسان گردد و به ترویج هر وسیله‌ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند پردازد.

«در چنان جامعه‌ای یک نظام فدرالی جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلامنازع منابع بسیار عظیمش باشد و مرام‌های عالیّهٔ شرق و غرب را در بر گیرد و طلسم جنگ و بدبختی را بشکند و به استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد. در چنان نظامی زور خادم عدل و داد شود و بقایش متکی باشد بر شناسائی خداوند یگانه و پیروی از یک دین عمومی. اینست هدف و مقصدی که نوع انسان ناگزیر بر اثر نیروهای وحدت‌بخش حیات بسویش روان است.» (نظم جهانی بهائی، صفحات ۱۶۶ و ۱۶۷)

حضرت عبدالبهاء نیز در بارهٔ این صلح اعظم جهانی در مفاوضات چنین می‌فرمایند:

«جمیع ملل و قبائل در ظلّ آن علم الهی درآیند ... و ملت واحد گردند و ضدّیت دینیه و مذهبیّه و مباینت جنسیه و نوعیه و اختلافات وطنیه از میان برخیزد، کلّ دین واحد و مذهب واحد و جنس واحد و قوم واحد شوند و در وطن واحد که کره ارض است ساکن گردند.» (نظم جهانی بهائی، صفحه ۱۶۷)

پس ملاحظه می‌کنیم که در ظلّ صلح اعظم کلیه اصول و احکام الهی که در کتاب مستطاب اقدس و سائر الواح مبارکه نازل شده رسماً و قانوناً اجرا خواهد شد. این صلح فقط برای استحکام اساس اتحاد سیاسی و یا حتی صرفاً برای تأیید و تقویت روح اخوت و اصول مهمه ترک تعصبات نژادی و عداوت‌ها و خصومت‌های مذهبی نیست، بل این نوع رفع تعصبات از نمودارهای صلح اکبر است، در صورتی که صلح اعظم سبب خواهد شد که دامنه و نفوذ تعالیم الهی وسیع‌تر و کیفیّت و رسوخش در جهان و جهانیان شدیدتر و کامل‌تر خواهد بود، زیرا در ظلّ این صلح عظیم اعظم کلّ دین واحد و مذهب واحد و جنس واحد و قوم واحد خواهند شد. از این بحث می‌توانیم این‌طور نتیجه بگیریم که نوع بشر سه مرحله در پیش دارد: صلح اصغر و صلح اکبر و صلح اعظم.

صلح اصغر، چنانچه قبلاً تشریح شد، صلحی است که ملل عالم به همت خود تشکیل خواهند داد. و این صلح را آخرین و یگانه راه حل مشکلات بین‌المللی سیاسی خود تشخیص خواهند داد و میتوان گفت که این پدیده عبارت از رسیدن به مرحله رشد سازمان ملل متحد کنونی خواهد بود که در نتیجه شدت و حدت مصائب و صدمات وارده بر دول و ملل عالم و دگرگونی اوضاع جهان بوجود خواهد آمد. و جمیع حکومت‌های عالم داوطلبانه، و اگر لازم باشد بالاجبار، در ظلّ این وحدت سیاسی قرار خواهند گرفت، زیرا ملاحظه می‌نمایند که جز تشکیل یک حکومت رسمی جهانی چاره دیگر وجود ندارد. و این حکومت صلاحیت آن را خواهد داشت که اختیارات مطلقه کنونی حکومت‌های ملی را عادلانه محدود سازد تا مصالح ملی تحت الشعاع مصالح بین‌المللی قرار گیرد.

صلح اکبر صلحی است که مقدمه صلح اعظم و مرحله بعدی صلح اصغر است و این صلح طبق نقشه کلیه ملکوتی و تصرفات ید غیبی الهی بوجود خواهد آمد و همانطور که از بیان مبارک ملاحظه کردیم این صلح عبارت از نظمی است که



حضرت بهاء الله تدبير می فرمایند، زیرا در آن زمان مؤسّسات بین المللی بهائی در مقامی قرار خواهند داشت که بتوانند تصمیمات حکومت جهانی و جمیع متفرعاتش را هدایت نمایند و با روح تعالیم بهائی که مبتنی بر وحدت عالم انسانی است هم آهنگی بخشند.

و اما صلح اعظم صلح نهائی موعود جمیع ملل و امم است، صلحی است که جمیع شئون آن مستمد از تعالیم جمال اقدس ابهی است. این صلح هم عوامل دنیوی و تشکیلاتی و هم اصول محکمه معنوی و ملکوتی را دارا خواهد بود، تا عناصر ناسوتی و حقایق روحانی بتوانند با یکدیگر کاملاً آمیخته شده و یک پارچه شوند و جلوه حیرت انگیز نمایند، زیرا این نظم جهان آرا مؤسس مدنیت لاشرقیه و لاغربیه خواهد بود که موعود جمیع امم و ادیان بوده و هست.

همانطور که همه می دانیم محافل محلی و ملی نظم اداری بهائی، در تمشیت امور روحانی و اداری، هر یک در حوزه خود دارای سه قوه مقننه و اجرائیه و قضائیه هستند. میتوانیم به خوبی تصوّر کنیم و بیانیشیم که این قوای سه گانه بر حسب هدایت و دستور بیت العدل اعظم در آینده از یکدیگر جدا خواهند شد، بطوری که محافل روحانی، که بعداً به بیوت عدل محلی و ملی مبدل خواهند شد، مرجع و مرکز قوه مقننه یا تشریعی گردند، و در ظل آن بیوت عدل محلی و ملی، طبق اصولی که بیت العدل اعظم معین بفرمایند، دو شعبه دیگر، که یکی رکن اجرائی و دیگری رکن قضائی است، با متفرعات مختصه خود بوجود آیند. این تفکیک قوا لابد در سطح بین المللی نیز تحقق خواهد یافت.

یکی از امتیازات نظم بدیع الهی در مقایسه با نظام های عرفی جهان در این است که در امر الهی محور مرکزی مؤسّسات امری قوه تشریعی است، یعنی بیوت عدل است، در صورتی که در سازمان های عرفی قدرت محور مرکزی در دست قوه اجرائیه است.

باید به یاد آوریم که هیکل مبارک در دو تویح (نظم جهانی بهائی، صفحات ۵۶ و ۱۵۱. رجوع شود به صفحات ۵ و ۶ در این مقاله) توضیحاتی جداگانه در باره صلح اکبر و صلح اعظم داده اند. در شرح این قوای سه گانه نظام صلح اکبر، اول قوه اجرائیه معین شده، ولی، در مورد صلح اعظم، در مقام اول قوه مقننه یا

تشریحیه قرار گرفته و همانطور که در بالا ذکر شد قوه تشریحیه در امر مبارک عبارت از بیوت عدل الهی است، چه محلی، چه ملی، و چه عمومی. در باره اهمیت و لزوم تحقق صلح اصغر حضرت ولی امرالله این بیان را در یکی از توقیعات مبارکه ذکر فرموده‌اند و با نقل این بیان جامع و مؤثر مطلب خود را به پایان می‌رسانیم:

«عصر شیرخوارگی و کودکی بشر به سر رسیده و عالم انسانی حال به هیجان و التهابی دچار است که با سخت‌ترین دوره تکاملش، یعنی دوره بلوغش، ملازمت دارد. دوره‌ای که غرور جوانی و سرکشی‌اش به حد اعلی رسیده، به تدریج فروکش می‌کند و آرامش و معقولیت و متانت که مخصوص دوره بلوغ است به جایش می‌نشیند. سپس نوع بشر به مرحله رشد و کمال می‌رسد و قادر می‌شود به قوا و فعالیت‌های فائز شود که ترقیات نهائی‌اش وابسته به آن است.

اتحاد اهل عالم درخشان‌ترین مرحله‌ای است که حال جامعه انسان رو به آن روان است. اتحاد خانواده، اتحاد دولت شهر و اتحاد ملی مراحل است که بشر آن را پیموده و با موفقیت پشت سر گذاشته است و امروز اتحاد جهان است که هدف و مقصد بشر سرگردان است. دوران ملت‌سازی سپری گردیده و هرج و مرجی که از ایجاد دولت‌های ملی مختلف ناشی شده به اعلی درجه خود نزدیک می‌شود. لهذا جهانی که به بلوغ می‌رسد باید خود را از شر این بُت برهاند و وحدت و یگانگی جمیع روابط انسانی را قبول کند و یکباره دستگاهی را به راه اندازد که این اصل اصیل وحدت را در آن تجسم بخشد.» (نظم جهانی بهائی، صفحات ۱۶۳ و ۱۶۴)